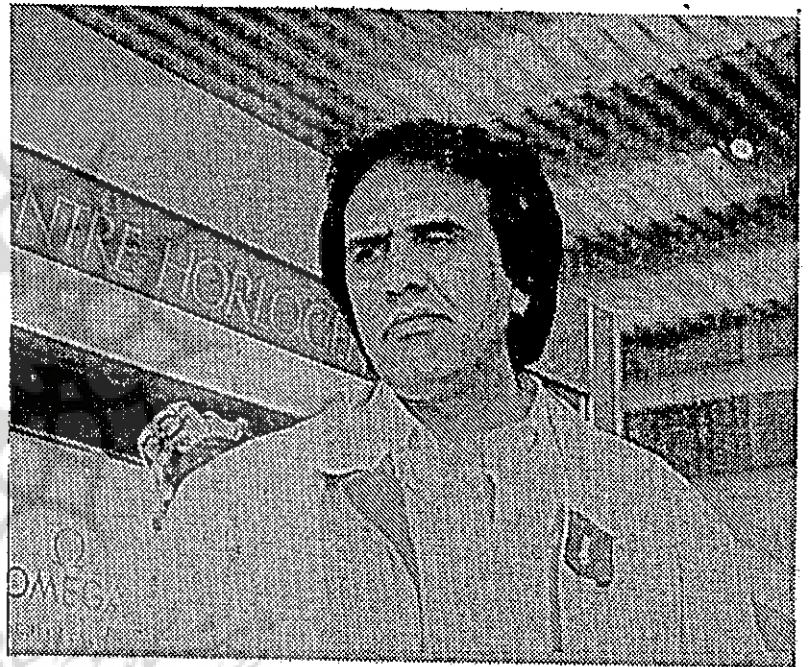


# سینمای هند از آغاز تا به امروز در نگاهی گذرا

۱۰ ساعت گفتگو با التفات شکری آذر پیرامون سینمای هند

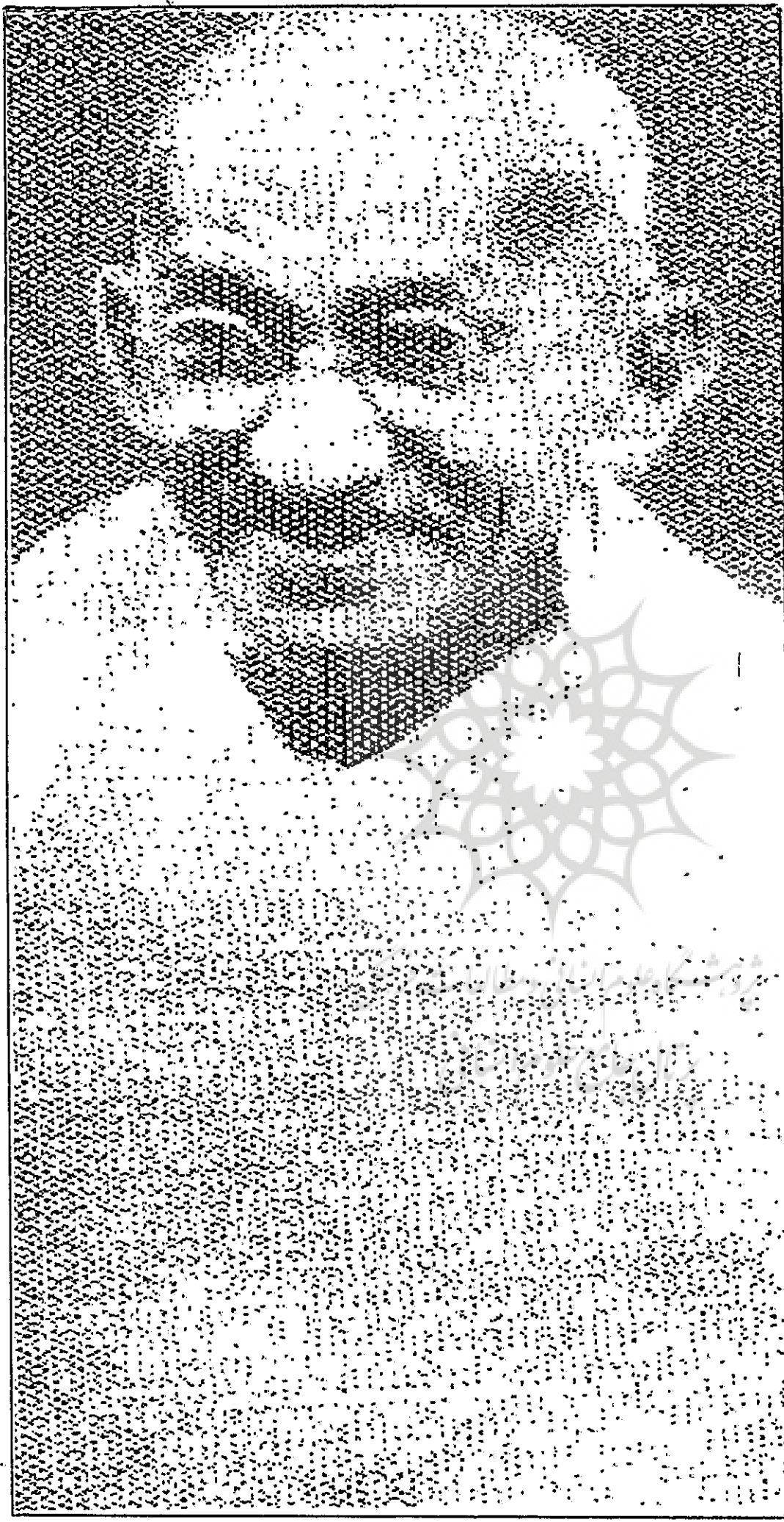
در مطبوعات سینمایی تا کنون کمتر به مطالب یا گفتگویی برخوردیم که تحلیلی از وضعیت سینمای هند در موقعیت کلی آن داده باشد. برای اولین ویژه‌نامه سینمای هند ماهنامه «سینماتئاتر» تصمیم گرفتیم به سراغ التفات شکری آذر برویم که یکی از متخصصین سینمای هند است. احساس کردیم انجام چنین گفتگوی تحلیلی‌ای می‌تواند به روشن شدن جنبه‌هایی از مشخصه‌های دائمی سینمای هند کمک کند.



اولین فیلمهای ناطق - که طرفداران خیلی زیادی در داخل کشور پیدا می‌کند - آن دسته فیلمهایی است که مبتنی بر باورهای مردم و اعتقادات آنهاست. قصه این فیلمها نیز الهام گرفته از اسطوره‌های مذهبی هندیهاست. یکی از چیزهایی که تنها در سینمای هند - و نه دیگر کشورهای جهان - جا دارد، مقوله رقص و آواز است. رقص و آوازی که در سینمای هند است معنا و مفهومی غیر از آن دارد که شاید در همه جای دنیا می‌بینیم. در بعضی جاها آپرا و باله وارد فیلمهای سینمایی شده و بعضی‌ها قصه‌هایی مثل اپرای کارمن را به صورت فیلم درآورده‌اند. ممکن است این فیلمها با اقبال عمومی روبرو شده باشند، ولی باز هم به این مقوله به آن نوع که به مقوله رقص و آواز در سینمای هند نگاه می‌شود، نگاه نمی‌کنند. طبق باور هندیها، رقص و آواز یک امر مقدس است. باور آنها این است که خلقت با آواز و رقص شروع می‌شود. در اساطیر زمانی که بزرگان می‌خواهند کاری مهم انجام دهند با رقص و آواز آن را اعلام می‌کنند. این نکته در کتابهای اساطیری آنها وجود دارد. اولین فیلم هندی که در زمان سینمای ناطق با استقبال زیادی روبرو می‌شود فیلم رقص شیوا است. رقص شیوا

تا اینکه اولین باز (چند سال پس از حضور سینما در کشور هند) دادا صاحب پالکی بر مبنای مهابهارات و رامایانا شروع به ساختن فیلم می‌کند. اولین جرقه‌ای که در سینمای هند زده می‌شود و پایه سینمای ملی را می‌گذارد، فیلمهایی است که از اسطوره‌های هندی الهام می‌گیرند. این نوع فیلمها به شدت مورد استقبال قرار گرفته و باعث رضایت و علاقه مردم عادی می‌شود. فیلمسازان هندی از آن زمان کار برگردان سینمایی این افسانه‌ها را آغاز می‌کنند. در آغاز کار سینمای هند، در برهه‌ای فیلمسازی مستند داریم که صامت است و اوج درخشش این سینما را تشکیل می‌دهد. به زودی سینمای صامت جای خود را به سینمای ناطق می‌دهد. حضور سینمای ناطق و ورودش به هند، وضعیت این سینما را دستخوش تغییر می‌کند. تمامی ابزار و وسایلی که صنعت سینمای هند برای کار به آن نیاز داشت، از خارج وارد می‌شد. همین مسئله باعث گرانی قیمت لوازم و وسایل می‌شد. لذا در بدو امر ورود خریداری آن لوازم و به طور کلی فیلمسازی چندان مقرون به صرفه نبود. به همین دلیل خود هندیها کار صداگذاری و صداپردازی را در داخل کشور شروع کردند.

کیکوس زیاری: اگر موافق باشید، برای شروع گفتگو از شکل‌گیری اولیه سینمای هند شروع کنیم. در چه شرایطی و چگونه این سینما پا گرفت؟  
التفات شکری آذر: در مورد سینمای هند و پا گرفتن آن تمام مطالب را به طور مفصل در کتاب «نگاهی به گذشته تاریخ سینمای هند» که در بنیاد فارابی در دست چاپ است گفته‌ام. پس در اینجا خلاصه‌ای از این جریان را بیان می‌کنم.  
بعد از اینکه برادران لومیر اولین فیلمهای خود را در هند نمایش دادند، شخصی به نام ساوی دادا اولین کسی بود که نخستین فیلم مستند هندی را ساخت. (مشهورترین فیلم مستند آن سالها درباره حرکت قطار و رسیدن آن به بمبئی است). پس از آن به تدریج فیلمهای مستند دیگری ساخته شد به زودی اولین فیلم بلند هندی توسط پدر سینمای هند، پالکه - که بنیانگذار سینمای هند لقب گرفت - ساخته شد.  
در آن سالها که فیلمها مستند است، سینمای هند صد در صد از سینمای آمریکا و اروپا تقلید می‌کند. انگلستان بیشترین تأثیر را در این دوران بر روی سینمای هند دارد. هندیها از همان مضامین و تم‌های غربی استفاده می‌کردند.



فیلمی است که سی و هفت بخش رقص و آواز دارد. به طور متوسط در آن روزها بیش از نیمی از فیلمهای هندی مملو از رقص و آواز است. در آن سالها این نوع فیلمها برای مردم جذابیت فراوانی دارد. سینمای هند همان زمان - یعنی وقتی که انگلیسیها در داخل کشور حضور دارند و حکومت کاملاً در دست آنهاست - با وجود باز بودن درهای کشور و ورود انواع و اقسام فیلمهای غربی - و به ویژه انگلیسی - در همان قدهای نخست پاگیری، تأثیر فراوانی بر تماشاگران خود میگذارد و رقیبی بزرگ و جدی برای فیلمهای خارجی می شود. این سینما بزودی عملاً بازار را در دست خود میگیرد.

سینمای هند چند نقطه عطف مهم دارد: یکی زمانی است که قضایای انقلاب در دهه ۱۹۲۰ در هند شروع می شود و فیلمها به تدریج رنگ و بوی سیاسی به خود میگیرند. اولین چیزی که آن زمان در فیلمها به صورت سمبل به کار رفت و نشان از یک حرکت سیاسی داشت، حضور یک چرخ ریسندگی در داخل کادر بود. چرخ ریسندگی علامت مهاتما گاندی بود و به مردم حرکت انقلاب را یادآوری می کرد.

از اینجا است که سانسور انگلیسیها شروع می شود. آنها فیلمهای هندی را با محتوای سیاسی به شدت سانسور می کنند. درست در همین زمان برای اولین بار یک فیلم انگلیسی در سینماهای هند به روی پرده می رود که دارای صحنههایی غیراخلاقی است. برای نخستین بار مردم به خنیاپانها ریخته و سینماها را آتش می زنند. این نخستین رودرویی مردم هند با سینما و سالنهای نمایش است.

این مسئله انگلیسیها را وادار به عقب نشینی می کند. آنها که قبل از این بسیاری از مسائل را در فیلمهای هندی سانسور می کردند، نرمتر شده و سانسور صحنه های فیلمهای هندی کمتر می شود. حالا فیلمسازان هندی می توانند آزادتر فیلم بسازند و حرف خود را بزنند.

در این شرایط فیلمسازان در فیلمهای خود شخصیهایی را به عنوان کاراکترهای اصلی انتخاب می کنند که از نظر ظاهری و یا فکری شباهتهایی به گاندی و نهرو دارند. این فیلمهای با اقبال عمومی زیادی روبرو می شوند. بسیاری از مواقع تنها پس از آنکه این فیلمها به نمایش عمومی درمی آمدند، اداره سانسور انگلیس متوجه اصل قضیه می شد. اما دیگر دیر شده و کار از کار گذشته بود.

در این دوره است که فیلمسازی حالتی جدی به خود میگیرد و مضمون فیلمها خیلی جدی می شود. حالا در فیلمها خبری از رقص و آواز به مفهوم سرگرم کننده اش کمتر دیده می شود. در همین دوره است که فیلمهایی جدی از مهابهارات ساخته می شود که جنبه های ملی گرایسی و وطن پرستی دارد و به نوعی علیه حضور بیگانگان است.

سینمای هند در این دوران وسیله ای برای بیان احساسات و آرزوهای مردم هند بود. استعمار انگلیس مخالفتی با تولید فیلمهای هندی نمی کرد؟

■ از آنجا که این سینما برای آنها جنبه سودآوری داشت (وسایل و امکانات و تدارکات سینمای هند توسط آنها انجام می شد و سرمایه گذار اصلی آنها بودند)، مخالفت چندانی با تولید فیلمهای هندی نداشتند. البته انگلیسیها زمانی که دیدند هندیها تکنولوژی سینما را در خدمت گرفته و با آن حرفهای خود را می زنند، لطمه فراوانی خوردند. این مسئله برای آنها خیلی گران تمام شده بود و خوشایند نبود.

در همان زمان انگلیسیها سعی زیادی کردند تا با سینمای هند رقابت کنند. تجربه ای که تا به امروز هم وجود دارد این است که هیچ فیلم غیر هندی نمی تواند در هند موفقیت تجاری داشته باشد. ولی همان فیلمهای غربی وقتی به همان صورت و بدون کم و زیاد شدن با کادر هندی تهیه و تولید می شوند، ماجرا عوض می شود و آن فیلم با بازیگر هندی و با زبان هندی مورد استقبال



رج کاپور در صحنه‌ای از فیلم «آقای ۳۲۰»

شاید یکی از شرایط اصلی برای رشد سینمای یک کشور تولید انبوه آن باشد. ما در همه جای دنیا این مسئله را داریم که رشد کیفی سینمای یک کشور در اولین وهله به رشد کمی آن بستگی دارد. وقتی تولید در کشوری به مرحله انبوه رسید، پس از آن به سمتی می‌رود که فیلمهای خوب تولید می‌کند. در بین انبوه تولیدات سینمایی است که به فیلمهایی برمی‌خوریم که در جشنواره‌های جهانی مورد تحسین قرار می‌گیرند.

پس می‌بینیم که در هیچ کجای دنیا کشوری مثل هند را پیدا نمی‌کنیم که تنوع موضوع داشته باشد. ضمن اینکه در نگاه اول فکر می‌کنیم همه این قصه‌ها و افسانه‌ها یکی هستند. اما اینطور نیست. خوب، در همه جای دنیا خوب، و بد هم بد است. هندیها افسانه‌های گوناگونی دارند، مثل رامایانا و ... این افسانه هزاران داستان دارد و بر روی افسانه اصلی آن - که جزو افسانه‌ها و کتابهای مقدس هندیهاست - هزاران نفر هزاران شرح نوشته‌اند و دهها افسانه و مضمون و قصه به آن اضافه کرده‌اند. فیلمسازان طی سالهای متبادی این افسانه را آداپته کرده و به صورت یک مسئله روز در آورده‌اند و هنوز که هنوز است بر اساس آن، فیلم می‌سازند. این روند تولید هنوز هم ادامه دارد. در جنگ جهانی اول، سرمایه‌داران سینمای هند از صرف پول برای ساخت فیلم اجتناب می‌کردند چونکه مردم به جای خرید بلیط پول خود را صرف خرید و احتکار ارزاق عمومی می‌کردند و به همین جهت در این برهه سینمای هند لطمه فراوانی خورد.

□ قبل از اینکه به سراغ جنگ جهانی دوم و انقلاب هند برویم، می‌خواهم بدانم سینمای هند از همان سالهای اولیه این قدر تولید انبوه داشت؟  
 ■ خیر. میزان تولیدات سینمایی هند بعدها زیاد می‌شود. اوایل ما با ۳۰، ۴۰ و یا ۵۰ فیلم روبرو هستیم.  
 □ حالا برویم سراغ جنگ جهانی دوم، جرقه‌های انقلاب در هند و تأثیری که این مسئله به روی سینمای هند می‌گذارد.

■ جنگ جهانی دوم مصادف است با حرکتی انقلابیون هند. مهاتما گاندی حرکت خود را با مبارزه منفی علیه استعمار انگلیس از دهه ۱۹۲۰ شروع می‌کند. تأثیر جنگ جهانی دوم بر هند زیاد است. به قول معروف «عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد».

هند از جمله کشورهایی است که دخالت مستقیمی در جنگ ندارد، اما تأثیرات جنگ بر این کشور زیاد است. ساتیا جیت‌رای در فیلم رعد دوردست خویش به این مسئله می‌پردازد. در این فیلم حضور جنگ در کشور به صورت حرکت چند هواپیما در آسمان است. گرانی، فقر و ظلم از نتایج تأثیر جنگ جهانی دوم بر جامعه هند است. پایان جنگ جهانی دوم با اوج حرکات انقلابی در هند همراه است. دو سال پس از اتمام جنگ، پیروزی انقلاب را در هند می‌بینیم.

آن روزها یکی از چیزهایی که به حرکت انقلابی مردم - بخصوص در شهرهای بزرگ - کمک کرد، فیلمهایی است که در آن دوره ساخته می‌شود.

مردم هند ساده و نجیب هستند. آنها آدمهای پیچیده‌ای نیستند و به همین سبب توسط سینما که بر مخاطب‌ترین رسانه کشور است، تأثیر به‌سزایی بر روند حرکت انقلاب گذاشته می‌شود. کارگردانان زیادی در آن زمان به دلیل تولید فیلمهای معترضانه به زندان افتادند. شورش‌های مردمی گاهی به بهانه آزادی آن فیلمسازان پا می‌گرفت. می‌توان گفت جنگ جهانی دوم از عوامل مهم برای رسیدن هند به استقلال بود.

□ سینمای هند پس از انقلاب چگونه عمل کرد و رشد یافت؟

■ بلافاصله پس از پیروزی انقلاب در هند، سینماکار خود را شروع می‌کند. تا مدتها فیلمهایی ساخته می‌شود که

کلام تمام فیلمهای عامه‌پسند ما فیلمهایی بودند که مضامین خرد را از فیلمهای مرفق هندی کپی‌برداری کرده بودند.

□ قصدم از طرح سؤال بالا موفقیت‌های سینمای هند در سطح جهان نبود. ما استعمار انگلستان را به طور مستقیم در هند داریم، همچنین می‌بینیم سینمای هند از نظر تکنولوژی و تکنیک، پیشرفت بیشتر و بهتری در مقایسه با کشورهای همجوار و همسایه خود دارد. حالا سؤالم در این رابطه شکل می‌گیرد. که: آیا بالا بودن سطح تکنیک و توانایی تکنیکی هنرمندان هندی به دلیل حضور مستقیم استعمار است؟ ما می‌دانیم که استعمار با حضور خود یک سری تبعاتی را نیز به همراه می‌آورد. که در اینجا تکنولوژی سینمایی را می‌توانیم یکی از این تبعات بنامیم.

■ خیر. من فکر نمی‌کنم اینطور باشد. یکی از دلایلی که باعث رشد فراوان تکنیکی سینمای هند در طول سالهای مختلف می‌شود تعداد بالای تولیدات آن و رشد آن از نظر کمی است. علت تولید انبوه در این کشور هم فراوانی مضامین و داستانهاست که در سطح کشور گسترده شده‌اند. ایالت‌های مختلف هند سرشار از افسانه‌های عجیب و اسرارآمیز است. از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب هند انبوهی از داستان، افسانه و قصه وجود دارد. صنعت سینمای هند از این قصه‌ها به حد وفور برای فیلمهای خود استفاده کرده است.

تماشاچی قرار می‌گیرد.  
 □ آیا علت رشد و ترقی سینمای هند در بین کشورهای در حال توسعه، به واسطه حضور مستقیم استعمار انگلیس در این کشور است؟

■ نه می‌توان گفت خیر و نه می‌شود صددرصد به آن پاسخ مثبت داد. اولین فیلم هندی که در آمریکا به روی پرده می‌رود رقص شیوا نام دارد. فیلمهایی از سینمای هند در کشورهای پیشرفته (از نظر سینمایی و اقتصادی) مطرح می‌شود که مبتنی بر باورهای اساطیری و دینی این کشور است. اولین برخورد جهان بیرون با سینمای هند بوسیله این نوع قصه‌هاست.

ولی بعدها سینمای هند تبدیل به سینمایی وسیع و فراگیر می‌شود. کشورهای جهان سوم به صورت پایگامی برای این سینما درمی‌آید و در بین این کشورها سینمای هند به صورت سینمایی بسیار مطرح درمی‌آید. علت این امر بیشتر از هر چیز بخاطر مضامین انسانی این سینماست. سینمای هند همواره صحبت از آن چیزهایی می‌کرده است که یا از یادها رفته و یا موقتاً مردم آنها را فراموش کرده‌اند. فیلمهای هندی همیشه بر روی مضامین گذشت، عشق، دوستی و محبت تکیه کرده که مقداری رقص و آواز هم جاشنی آن بوده است.

سینماهای بسیاری از کشورهای جهان سوم حتی تا به امروز هم شدیداً متأثر از سینمای هند است. نمونه بارز آن را در سینمای مصر می‌بینیم. سینمای قبل از انقلاب خودمان هم شدیداً تأثیر گرفته از سینمای هند بود. در یک



مضامین اصلی آنها حرکت انقلاب و مسائل پیرامون آن است.

یکی از ویژگیهای آن روزهای سینمای هند نشان دادن سرود ملی هند و پرچم این کشور است که تا به امروز هم به اشکال مختلف ادامه دارد. پرچم کشور هند به بهانه‌های گوناگون در فیلمهای هندی نمایش داده می‌شود که این یادگاری از آن روزهاست. پرچم هند و نشانه وسط آن یادآور حرکت مهاتما گاندی است.

تا چند سال پس از انقلاب فیلمهایی با مضامین مختلف درباره انقلاب و چهره‌های پرچم آن ساخته می‌شود. پس از گذشت چند سال از انقلاب در هند، دو نوع سینما شروع به رشد می‌کند. یکی سینمای صددرصد متأثر از سینمای غرب و بخصوص هالیوود است. در این نوع سینما شخصیت پردازیها، نوعی شبیه‌سازی از شخصیتها و چهره‌های مطرح آن روز هالیوود است. نوع دیگر سینما گرایشهای مردمی دارد، که این نوع متأثر از سینمای شوروی است.

ما دو برادر در سینمای هند داریم که هر یک سبیل یکی از این دو نوع سینما هستند. راج کاپور به عنوان نماینده سینمای مردمی و شامی کاپور نماینده سینمای غرب‌گرا.

سینما در هند، همیشه متأثر از حوادث و روندهای اقتصادی - اجتماعی کشور بوده است. یعنی هر وقت دولتهای وقت گرایشات سوسیالیستی پیدا کرده‌اند تولید فیلمهای مردمی بیشتر شده و هر وقت دولتهای غیرسوسیالیست روی کار آمده‌اند، فیلمهای نوع دیگر ساخته می‌شوند.

در کنار این دو، سینمایی که اسم برده شد ما یک سینمای صددرصد مردمی و حقیقی هم داریم که سینمای بنگال است. سینمای کولالا را هم تا حدودی می‌توانیم در این نوع سینما جای دهیم. این سینما، سینمایی است که هیچوقت به سراغ رقص و آواز و مضامین معمولی نرفت و حتی از باورهایی که در آن مناطق هند وجود دارد، فاصله گرفت. اما با این حال توانست از حمایتهای مردمی فراوانی بهره بگیرد. (مسائل این سینما بیشتر مسائل جدی و مبتلا به مردم بوده و هست.)

برای مثال شیمام بنگال فیلمساز سرشناس این نوع سینما فیلمی می‌سازد که تهیه‌کننده‌اش ۵۰۰ هزار کشاورز هستند. که هر کدام پنج روپیه می‌گذارند تا او فیلمی درباره تعاونیها بسازد. با توجه به گرایشاتی که در بنگال هست، سینمای آن، صددرصد شکل سیاسی دارد. این در حالی است که حتی مردمی‌ترین فیلمهای راج کاپور هم حال و هوای سیاسی ندارند. فیلمهای او بیشتر رنگ و بوی اجتماعی و اخلاقی دارند که ضمناً قدری هم مثلاً ضد سرمایه‌داری هستند.

سینمای بنگال بینندگان خاص خود را دارد که بیشترین تعداد آن هم در غرب هند هستند. دیگر تماشاگران این فیلمها تماشاگران روشنفکر و دل‌آگاه دنیای خارج هستند. آدمی مثل ساتیا جیت رای همیشه در بیرون از هند آدم مطرح‌تری بوده است.

یعنی سینمای بنگال در کلیت صنعت سینمای هند سینمای اقلیت است؟

بله. این سینما یک سینمای خصوصی و ایدئولوژیک است که کمتر در هند برد داشته است.

چرا؟ به دلیل عدم وجود صحنه‌های رقص و آواز و قصه‌های عامیانه؟

مردم هند هیچوقت سوسیالیسم و کمونیسم را باور نداشته‌اند و نمی‌توانند باور داشته باشند. طبق عقاید

هندوها «کاست» باید وجود داشته باشد. طبقات اجتماعی باید باشند. آن حرفها مخالف با عقاید مذهبی هندوها است.

گرایش به ستاره‌سازی و ستاره‌پردازی از چه سالهایی در سینمای هند شروع می‌شود؟

تقریباً از همان اوایل. این داستان از همان روزهای اول تشکیل صنعت سینما آغاز می‌شود و در برهه‌های مختلف می‌بینیم که یک بازیگر وقتی مشهور می‌شود، میزان این شهرت بقدری زیاد می‌شود که او بعد از مدتی تبدیل به یک شخصیت حقوقی عجیب و غریب می‌شود.

مشهورترین ستارگان هند - اعم از زن و مرد - بعد از گذشت سالها شهرت سینمایی، نماینده مجلس و یا وزیر مختار یک ایالت می‌شوند. برخلاف ظاهر که دولت در هند کنترل کمتری در صنعت سینما دارد، در عمل اینطور نیست. سینما صددرصد در خدمت دولت است. به هیچ عنوان در فیلمها طرفداری مستقیم از دولت نمی‌شود، اما این فیلمها صددرصد در خدمت اهداف دولت هستند.

مثالی برایتان بزنم. ما قائله‌هایی در هند داریم و استعمار انگلیس همیشه مقولاتی مثل اختلاف مذاهب و ... را در هند مد نظر داشته است. هر بار که این استعمار خواسته در آنجا کاری کند انسانهای شریف آن دیار اعم از هندو، مسلمان و مسیحی را به جان هم انداخته است.

آخرین قائله از این دست سال ۱۹۹۱، در بمبئی رخ داد که داشت می‌رفت تا تبدیل به یک فاجعه شود. اما می‌بینیم که دیلیپ کمار بازیگر قدیمی و سرشناس کشور می‌آید و در این رابطه یک سخنرانی دو ساعته می‌کند. پس از سخنرانی او این قائله تقریباً تمام می‌شود.

در بسیاری از ایالتهای هند این بازیگران هستند که در مقام وزیر مختار قرار دارند. چرا؟

اول اینکه مردم این بازیگران را دوست دارند و این یک مورد استفاده از هنرمندان در عرصه سیاست است. وقتی مردم این بازیگران را دوست دارند، حتی اگر آنها در دوران بازیگری خویش یک سری ضعف‌هایی داشته باشند، آنها این ضعف‌ها را بخشیده و نادیده می‌گیرند. بسیاری از بازیگران وقتی این حرفه را کنار می‌گذارند، زندگی در صومعه‌ها را شروع می‌کنند و مرتاض می‌شوند. وزیر مختار ایالت آندراپرادش از این دسته هنرمندان بود. او از بزرگترین چهره‌های سینمای هند بوده که این منطقه را خیلی هم خوب اداره می‌کرده است. پارلمان هند هم همیشه تعدادی از ستارگان را به عنوان نماینده مردم در خود داشته است.

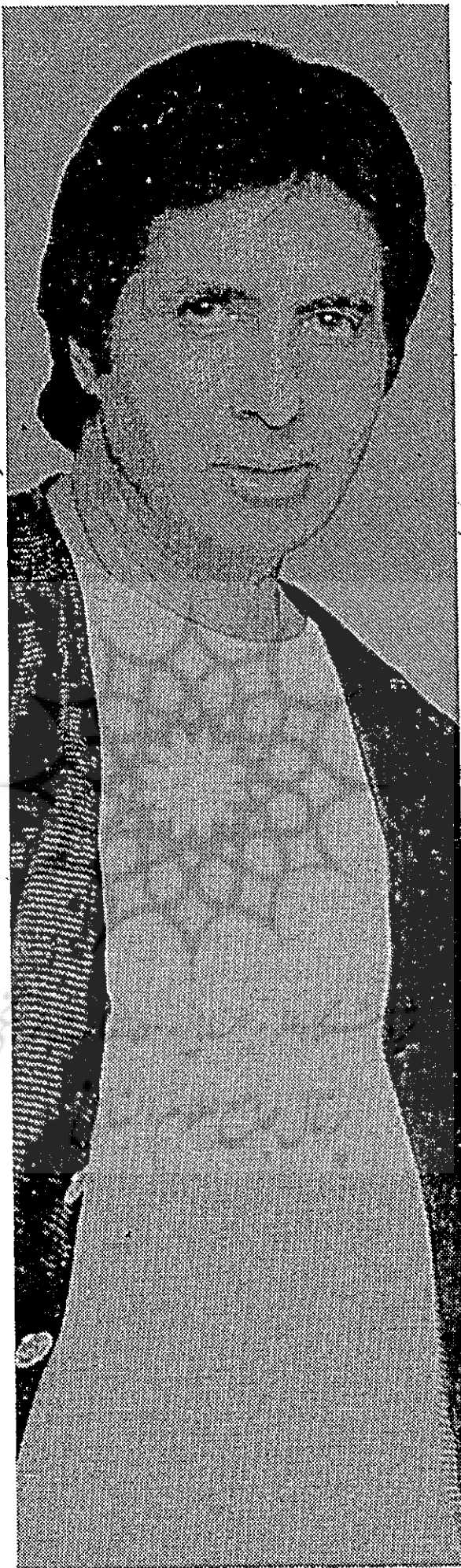
به دلیل وجود تعداد زیاد هنرپیشگان در هند، مسئله حضور هنرمندان در عالم سیاست در این کشور پررنگ‌تر از دیگر کشورهای جهان است.

اشاره خوبی به رابطه بازیگران و دنیای سیاست کردید. از نظر روان‌شناسی و جامعه‌شناسی چه عاملی باعث می‌شود که مردم عادی هند تا این حد به بازیگران سینما علاقه پیدا کنند و آنها را مورد ستایش فراوان قرار دهند و حرف آنها را آویزه گوش کنند؟

این نکته به باورهای هندوها برمی‌گردد. آنها شهرت یا ثروت یک انسان را به قول معروف دال بر این نمی‌دانند که «آسمان که نیارید به سرش - یا خودش دزد بود یا پدرش». آنها اینگونه به ماجرا نگاه نمی‌کنند. نگاه مردم هند این است که این آدم آن شایستگی و لیاقت را داشته و دارد که خداوند او را به این درجه از شهرت و ثروت رسانده و محبت او را اینگونه در دل‌های مردم گذاشته است.

این مسئله اصلاً شوخی نیست. برای مثال زمانی که آمیتا باچان حدود پانزده سال پیش هنگام فیلمبرداری یکی از فیلمهای زخمی و روانه بیمارستان می‌شود. تمام سرزمین هند شب تا صبح دست به دعا بر می‌دارند تا خداوند او را شفا دهد. هند شاید تنها کشوری در عالم است که یک چنین وضعیتی دارد.

شاید در هند ما بازیگرانی داشته باشیم که در زندگی



آمیتا باچان

## در هند از هر فیلم حول و حوش دو هزار نسخه کپی می‌شود. در سراسر هند حدود ده هزار سالن سینما وجود دارد و فیلمها در سطح وسیعی روی پرده می‌روند.

معتقدند در زندگی روزمره اگر کسی از نظر ظاهری خوشبخت است، برای این است که در زندگی قبلی اش آدم بسیار خوبی بوده است و به همین خاطر است که خداوند در این دوره این همه نعمت در اختیار او گذاشته است. آنها معتقدند اگر او در این برهه از زندگی خود هم آدم خوبی باشد، از دایره سانسار خارج شده و از این گردونه نجات پیدا می‌کند و به سوی نیروانا (خوشبختی محض) و نجات ابدی رفته و به خدا می‌رسد.

لذا، می‌بینیم که در هند نگاه بشویکی به مسائل اجتماعی - اقتصادی که می‌گوید «هر آدم ثروتمندی خائن است و هر آدم فقیری خادم» وجود ندارد. به همین خاطر، هم در زندگی هنديها و هم در فیلمهای آنها می‌بینیم که نوکر و کلفت‌ها حقیقتاً به ارباب خود خدمت می‌کنند، چون اعتقاد دارند او لایق خدمت کردن است.

مسئله دیگر این است که نزدیک به هشتاد درصد مردم هند فقیر هستند. آنها نه خانه دارند و نه یک زندگی آنچنانی. زیبا نیستند و تغذیه خوبی ندارند. اما در سینمای هند همه اینها هست. حالا شما تصور می‌کنید آدمی آن باورها را در پس ذهن خود دارد و به تماشای فیلمی راهی سالن سینما می‌شود. در این حالت او داخل سالن سینما بازگر را روی پرده نمی‌بیند. او خودش را روی پرده می‌بیند. طبق این باور در همین حالتی که او فقیر و بدبخت است اگر به نیکی زندگی کند، بعد از مرگش روح او داخل آن نوع جسمی می‌رود که حالا، بازیگری دارد روی پرده نقشش را بازی می‌کند.

وقتی هنديها به سینما می‌روند و فیلمهای هندي را تماشا می‌کنند، انگار که دارند خوردشان و زندگی خودشان

خصوصی خود آدم خیلی مثبتی نباشند. اما همین بازیگران به دلیل بازی و حضور در نقش‌های مثبت، تبدیل به یک قدیس می‌شوند. در بین بازیگران زن هند ما می‌توانیم کماری را داریم که به دلیل حضور در این گونه نقش‌ها، تا آخر عمر فقط لباس سفید می‌پوشد و برای هنديها تبدیل به یک زن مقدس شد. همین حالا در هند نوار صدای او - که ضمناً شاعر نیز بود - در تیرازهای وسیع پخش می‌شود. مردم آن را می‌خرند. البته نهایت باور هنديها طبق گزارش کتب دینی‌شان همان یکتاپرستی است. از آنجائیکه آنها منشأ هر چیز خوبی راه خدا می‌دانند و منشأ هر چیز شری راه نفس انسانی می‌دانند، لذا در برخورد با انسانهای خوب، شاهمدیم که این آدمها به زودی تبدیل به افرادی مقدس می‌شوند. این بازیگران حتی سالانه «بارعام» می‌دهند و مردم برای زیارت آنها می‌روند.

مسئله دیگر مربوط به گذشت بازیگران و روابطی است که بین آنها و اطرافیانشان ایجاد می‌شود. برای مثال به جای راج کاپور در فیلمهای هندي خواننده‌ای به نام موکش آواز می‌خواند. موکش می‌میرد و راج کاپور همه ساله بخاطر موکش روز مرگ وی بارعام می‌دهد. راج کاپور هر بار این بارعام را در یک ایالت هند می‌اندازد و به فقیران آن ایالت غذا می‌دهد. انجام چنین کارهایی در بین عوام مردم تأثیر فراوانی می‌گذارد.

از طرف دیگر حافظه تاریخی مردم هند به آنها می‌گوید که هنرمندان همیشه در بحرانهای سیاسی - اجتماعی و اقتصادی به دولت کمک کرده‌اند و خالصانه خود را در این برهه‌های حساس در اختیار دولت قرار داده‌اند. دولت از این هنرمندان در جهت حل بحرانهای موجود و در جهت حرکتهای ملی - میهنی بهره گرفته است.

دولت هند هر بار با یکی از همسایگان خود مشکلی پیدا کرده است، سینما در خدمت او پرده است. ظاهراً هیچوقت دولت در این رابطه چیزی به سینماگران نگفته و بخش نامه‌ای برای آنها صادر نکرده است. اما بلافاصله ما می‌بینیم ظرف چند ماه تعداد زیادی فیلم در این رابطه ساخته و روانه اکران عمومی می‌شود.

این فیلمها در چند سینما و به چه تعداد کپی و تکثیر می‌شوند؟

در هند از هر فیلم حول و حوش دو هزار نسخه کپی می‌شود. در سراسر هند ده هزار سالن سینما وجود دارد و فیلم مورد نظر در بخش وسیعی روی پرده سینماها می‌رود. حالا جلوتر در بحثهای بعدی به این مسئله می‌رسیم که وقتی پای مامور به هند می‌رسد، دولت چگونه برای مقابله با آن از صنعت سینما کمک می‌گیرد.

از صنعت سینمای هند به عنوان کارخانه رویاسازی اسم می‌برند. فیلمهایی که این صنعت تولید می‌کند هیچکدام با واقعیت‌های موجود زندگی مردم عادی همخوانی ندارد. اول اینکه چرا صنعت سینمای هند دست به تولید این نوع فیلمها می‌زند و دوم اینکه چرا تماشاگری که می‌داند این قصه‌ها و فیلمها دروغ است، باز هم به تماشای آنها می‌رود و از آنها استقبال می‌کند؟

در هند باوری وجود دارد به نام «دایره سانسار». طبق این باور یک روح وقتی به زمین می‌آید و داخل یک بدن می‌رود، آنقدر باید در بدنهای مختلف و در این دایره بچرخد تا پاک شود و به منشأ خود برسد. لذا هندوها



تاریخ

را روی پرده تماشا می‌کنند. آنها فکر می‌کنند ممکن است در زندگی بعدی تبدیل به آن آدم شوند. به همین خاطر است که ما می‌بینیم در این رابطه هرچه قصه و آدمهای فیلم اغراق آمیزتر باشند، تماشاچی فیلم بیشتر است. پس در حقیقت، کارگردان هندي این فیلم را قبل از هر چیز برای بیننده خودش می‌سازد و این اغراقی که شما می‌گویید و به چشم من و شما هم می‌آید (و شاید دل ما را بزند) و آنرا چیز بدی می‌دانیم، به چشم تماشاچی هندي جزو ضروریات فیلم است.

بله، مطلب دیگری را درباره فیلمها برایتان بگویم. برای مردم عادی، این فیلمها معانی خاصی دارد. شما به آوازه‌های قبل از دهه هشتاد فیلمهای هندي نگاه کنید. اگر زبان هندي بدانید متوجه می‌شوید آنها معانی عجیب و غریبی دارند. وقتی یک بازیگر هندي در حال آواز خواندن است و بیننده هندي گریه می‌کند، این گریه بخاطر معنی خاص و ویژه آن آواز است.

تمامی این آوازه‌ها مبتنی بر باورهای مردم است. اصلاً شاید یک بیننده اماراتی که به تماشای یک فیلم هندي می‌نشیند، نتواند حال و هوای آن فیلم و درونیات آنرا درک و کشف کند. اما برای تماشاچی هندي این فیلم مثل یک عبادت است. به همین خاطر است که می‌بینیم در این کشور سالانه نزدیک به هزار فیلم تهیه و تولید می‌شود. پس می‌توانیم بگوییم سینمای هند دارای ابعاد مذهبی هم هست.

بله، منتهی اینجا نکته‌ای وجود دارد. در فیلمهای هندي از باورهای مذهبی مردم استفاده خیلی زیادی می‌شود. در هند مذهب از گذشته‌های دور شکل ویژه‌ای داشته است. زمانی که آریایی‌ها به هند می‌رسند آرام آرام چیزهایی را به مذهب هند اضافه می‌کنند. به مذهب در هند طی قرون متدادی چیزهای تازه‌ای اضافه شده است.

اصل مذهب در هند بر پایه خدایپرستی است که در طول قرن‌ها شاخ و برگهایی به آن اضافه می‌شود.

تأثیر اجتماعی فیلمها - بخصوص فیلمهای عامه‌پسند که در بین مردم طرفداران زیادی دارد - بر جامعه هند چگونه بوده است؟ می‌خواهم درباره تأثیر و روابط متقابل سینما و تماشاچی بر روی هم و بالعکس صحبت کنید. به قول شما وقتی تماشاچی فیلمی را تماشا می‌کند در حقیقت خودش را جای قهرمان اصلی ماجراها می‌بیند. حالا وقتی فیلم تمام شد و او از سینما بیرون آمد، این فیلم تأثیرش را بر روی او چگونه به نمایش می‌گذارد؟

او وقتی از سینما بیرون می‌آید راضی است. فیلم هندي به طور متوسط سه ساعت طول می‌کشد. یک داستان اصلی و تعدادی داستان فرعی دارد. این مسئله هم منبعت از باورهای قدیمی آنهاست. تماشاچی وقتی از سالن سینما خارج شد، احساس می‌کند همه نوع چیزی را دیده است: (۱) مسائلی که به باور او می‌پردازد؛ پس فکر می‌کند که کار مثبتی انجام داده است. (۲) چیزهایی که خودش ندارد را دیده است. چیزهایی که اعتقاد دارد زمانی متعلق به او بوده و زمانی دیگر به او تعلق خواهد گرفت. (۳) فیلم به او کمک می‌کند تا شرایط زمانه را بهتر بپذیرد. و از وضعیت موجود راضی باشد.

چرا فیلم هندي، یک داستان اصلی و تعدادی داستان فرعی دارد؟

این از باورهای قدیمی هندیهاست. شما اگر کتابهای اساطیری هند را نگاه کنید می‌بینید یک شخصیت اصلی در آن وجود دارد که خط کلی داستان را هدایت می‌کند. در کنار او شخصیت‌های دیگری داریم. اما آنها همه با هم یک سری ماجرا را به طور موازی جلو می‌برند. جالب است که در انتهای تمام این قصه‌ها و داستانهای فرعی به هم



## در هند هم مثل بعضی جاهای دیگر کارگردان دیر به شهرت می‌رسد. — هنرپیشه و البته خواننده از عناصر تعیین‌کننده هستند. هم چنین آوازهای فیلم هم نقش مهمی در موفقیت یک فیلم

می‌پیوندند. آن شخصیت‌های فرعی در پایان کار، برای رسیدن به هدف فیلم به شخصیت اصلی رسیده و به او وصل می‌شوند.

علت طولانی بودن فیلمهای هندی از چه روست؟ چند علت دارد که وجود رقص و آوازهای زیاد یکی از دلایل اصلی است. درباره جایگاه رقص و آواز در سینمای هند به خصوص آواز نکته‌ای را بگویم. آواز در هند درست مثل شعر است در ادبیات ما. زمانی می‌رسد که مجلس ایجاب می‌کند دیگر به زبان نثر سخن نگوئیم. در این حالت دیگر نمی‌توانیم یک سری چیزها را به زبان نثر بیان کنیم. در این حالت باید به سراغ زبان نظم برویم. هندی‌ها هم مثل اقوام دیگر عشق زمینی را نشانه‌ای از عشق آسمانی می‌دانند و معتقدند بدون تجربه اولی نمی‌توان عشق دومی را تجربه کرد. آنها احساسات عمیق خود را به واسطه آواز بیان می‌کنند. حالا بیایم و ببینیم در کجای فیلم هندی آواز وجود دارد؟ (بخصوص در رابطه با فیلمهایی که بر اساس این مضامین ساخته شده‌اند) در این فیلمها درست در نقطه‌ای که اوج یک شادی، یک غم، یک حادثه یا یک مصیبت حادث می‌شود. ما با یک آواز روبرو می‌شویم. آنها از اینجا به بعد چون مسئله را آسمانی می‌دانند، آواز را به کمک می‌طلبند.

به همین خاطر است که خوانندگان هندی هم برای خود داستان‌ها و دنیای جداگانه‌ای دارند. در هند خواننده هم جایگاه ویژه خودش را دارد. برخلاف فیلمهای هندی که تعدادشان زیاد است، خواننده هندی کم و محدود است. یکی از بهترین خوانندگان هندی یک مسلمان به نام محمد رفیع بود. رفیع ۳۵ هزار آواز در طول ۵۶ سال عمر خود خواند. در تمام این آوازها او حتماً اسمی از خدا برده و درباره معنویت بوده است. او حتی در آوازهای معمولی خود هم از این نوع اشعار استفاده می‌کرد.

در فیلمهای عامه‌پسند هندی کارگردان - تهیه‌کننده حرف اول را می‌زند یا بازیگر؟ تماشای هندی فیلم را به خاطر بازیگرش نگاه می‌کند یا قصه و رقص و آواز آن؟

در هند هم مثل بعضی جاهای دیگر کارگردان دیر به شهرت می‌رسد. هنرپیشه و البته خواننده از عناصر تعیین‌کننده هستند و همچنین آوازهای فیلم هم نقش مهمی در موفقیت یک فیلم دارد.

وقتی در هند کلید فیلمبرداری فیلم زده شد، نوارهای موسیقی آن فیلم به بازار می‌آید. تم موسیقی و استقبال مردم از نوار موسیقی فیلم نشان می‌دهد که فیلم در اکران عمومی موفق خواهد بود یا نه. اولین باری که در یک سینمای هند به تماشای فیلم هندی نشستم براریم خیلی عجیب بود که تماشاگران همراه با فیلم و بازیگر، آهنگهای آنرا می‌خوانند. من فکر می‌کردم آنها مثلاً ده بار فیلم را تماشا کرده‌اند که آهنگهای آنرا از پر هستند. اما بعداً متوجه شدم اینطور نیست.

موسیقی و آواز فیلم مدتها قبل از اکران عمومی فیلم (حدود شش ماه) به صورت صفحه و نوار پخش شده و مردم آنها را خریداری کرده‌اند.

هنرپیشه تعیین‌کننده‌ترین عامل موفقیت یا عدم موفقیت فیلم است. به همین دلیل بازیگر در هند بسیار گران است. گرانترین عنصر تولید یک فیلم هنرپیشگان آن هستند، که اصلاً قابل مقایسه با دیگر عوامل و کادر تولید فیلمها نیستند. فیلمهایی بوده که قصه خیلی خوبی نداشته، اما چون از بازیگران مشهور استفاده کرده، مورد پسند تماشاگران قرار گرفته است.

هزینه تولید یک فیلم عامه‌پسند چقدر است و چه

مقدار از آن به بازیگر داده می‌شود؟

من درباره هزینه‌های امروزی فیلمهای هندی صحبت می‌کنم که می‌توان همین تناسب را گرفت و درباره فیلمهای قدیمی‌شان به کار بست.

هر بازیگر مرد هندی که دارای شهرت فراوانی است نزدیک به یک میلیون دلار برای بازی در هر فیلمی دستمزد می‌گیرد. در حال حاضر آمیتا باچان برای هر فیلم رقم استثنایی سه میلیون دلار را می‌گیرد که در سرزمینی مثل هند رقم عجیب و غریب و افسانه‌ای است. وقتی آمیتا باچان در فیلمی بازی می‌کند، کل هزینه فیلم نمی‌تواند بیشتر از دویست درصد دستمزد او باشد. یعنی یک فیلم هندی حول و حوش ۶ تا ۸ میلیون دلار هزینه در بردارد. البته منظورم درباره فیلمهای پرخرجی چون بازیگر است. این فیلم حدود ۱۰ میلیون دلار هزینه در بر داشت. طبیعی است که فیلمهای کم‌اهمیت هزینه‌های کمتری در بر دارد.

بازیگران زن هم در صورت داشتن شهرت، دستمزد خوب و بالایی می‌گیرند. اما دستمزد آنها همیشه پایین‌تر از دستمزد بازیگران مرد است. در این رابطه شاید در دوره‌های مختلف استثنائاتی بوجود بیاید. مثلاً بازیگرانی مثل هما مالینی، ریکا، سری دیوی در دوران اقتدار خود از بسیاری از بازیگران مرد دستمزد بیشتر و یا هم سطح آنها دستمزد می‌گرفتند.

در حال حاضر گرانترین بازیگران زن و مرد هند کدامیک هستند؟

در بین بازیگران مرد آمیتا باچان گرانترین است که البته خیلی کم فیلم بازی می‌کند. پس از او شاهرخ خان است که برای هر فیلم حدود یک میلیون دلار می‌گیرد. پایین‌تر از او سانی دئول و سلمان خان هستند. در بین بازیگران زن مادوری دیکشیت و یک تازه‌وارد به نام



اکشی کومار

منیژه بالاترین دستمزدها را می‌گیرند. بعد از آن کاریسما کاپور دستمزد بالایی می‌گیرد.

پس سری دیوی چه؟

او مدت دو سال در فیلمی بازی نکرد و تازه به هند و به روی پرده سینما برگشته است. از طرف دیگر سن او دارد بالا می‌رود. نکته‌ای را هم برایتان بگویم که شاید جالب باشد. برای سری دیوی اتفاقی رخ داد که باعث شد او بخشی از محبوبیت خود را از دست بدهد. او دست به کار عجیب و غریبی زد که شاید در بیرون از هند کاملاً طبیعی باشد، اما در هند با واکنش منفی روبرو شد.

مادر این بازیگر بیمار شد. سری دیوی برای انجام جراحی او را به آمریکا برد. ظاهراً دکتر معالجاتهایی به انجام سست راست مغز، سست چپ مغز او را عمل کرد. این بازیگر نه میلیون دلار خسارت از دکتر فوق طلب کرد. این حرکت او در کشورش بازتاب خوبی نداشت.

چرا؟

سینمای هند و تماشاگران آن برخلاف مسائل پشت صحنه فیلم - که ممکن است هزار و یک اتفاق رخ دهد - نمی‌پذیرد بازیگری که همیشه در نقش راج کماری‌ها، الهه‌ها و زنهای باگذشت و خوب بازی کرده بیاید و در عالم واقعیت از کسی طلب خسارت این چنینی کند. این کار نوعی باج‌خواهی ارزیابی می‌شود. حتی اگر از کشوری مثل آمریکا و دکترهای آن طلب شود. تماشای هندی دوست دارد همانطور که روی پرده بازیگر را به صورت آدمی باگذشت می‌بیند، در زندگی خصوصی آنها هم همین رفتار را از آنها ببیند.

مثالی برایتان بزنم. محمد رفیع خواننده‌ای که قبلاً صحبت آنرا کردیم در طول زندگی لب به سیگار نمی‌زند. هم اکنون قبر این خواننده زیارتگاهی برای هندوها و مسلمانان است. چرا این اتفاق می‌افتد؟ چون مردم هند همیشه او را در هیبت یک آدم باگذشت و مهربان دیده‌اند که همه آوازه‌هایش راز و نیاز همین مردم شده است.

نکته جالبی بگویم که هم اکنون به یادم آمد. همان زمانی که در هند بر مبنای اساطیر هندی فیلم ساخته می‌شود، دوران درخشان حکومتهای اسلامی و حاکمان مسلمان در این کشور هم یکی از بزرگترین مضامین هندی می‌شود. به همان نسبتی که مردم هند فیلمهایی را که درباره اساطیرشان ساخته می‌شود قبول می‌کنند، از فیلمهایی که درباره حاکمان اسلامی تولید می‌شود هم استقبال می‌کنند. اکبرشاه یکی از قدرتمندترین شاهان قدیمی گورکانی است. او دو زن دارد یکی مسلمان و دیگری هندو. قصر هر دوی این زنها در شهر آگواست. کنار کاخ زن مسلمان یک مسجد و کنار کاخ زن هندو یک معبد است. تاریخ گزارش می‌کند که اکبرشاه و حتی پسر بسیار متعصب او اورنگ زیب مقدار سوختی که در زمستان به مساجد می‌دهد همان مقداری است که به معابد می‌دهد. یکی از دلایلی که حکومتهای مسلمان در هند محبوبیت فراوانی حتی بین هندوها داشته‌اند این بوده که عدالت را به یکسان رعایت کرده و آدمهایی باگذشت بوده‌اند.

حالا وقتی امروز این قصه‌ها تبدیل به فیلم می‌شود هندو و مسلمان هر دو به تماشای آن فیلم می‌روند. به این ترتیب است که تماشای هندی با یک چنین پس زمینه فکری وقتی می‌بیند که بازیگری مثل سری دیوی از دکتری تقاضای خسارت می‌کند، نمی‌تواند این مسئله را هضم کند.